تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲۸

فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی مشرق موعود
سال یازدهم، شماره ۴۴، زمستان ۱۳۹۶

نقش ژئوپلتیک غرب آسیا در نبردهای عصر ظهور؛ از منظر ادیان ابراهیمی

امید وطن‌دوست[۱]
محمدرضا برزویی[۲]

چکیده

مهم‌ترین منطقه ژئوپلتیکی در جهان، غرب آسیا[۳] است که نقش مهمی نیز در جغرافیای عصر ظهور بر عهده دارد. این محدوده به سرزمین‌های میان دریای مدیترانه و خلیج فارس گفته می‌شود که از لحاظ موقعیت جغرافیایی در مرکز تقاطع سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا قرار دارد به طوری که از ناحیه کشور ترکیه به اروپا و از سرزمین مصر به قاره آفریقا متصل است.

مفهوم آخرالزمان نیز، همواره یکی از کلمات کلیدی ادیان الهی به منظور ایجاد شوق برای پیروان می‌باشد تا ایشان در زمانی که در سختی‌های دنیوی قراردارند همواره آینده‌ای روشن را پیش روی خود فرض کنند. آخرالزمان در ادیان مختلف الهی خصوصاً سه دین اسلام، یهودیت و مسیحیت به همین خاطر از اهمیت خاصی برخوردار بوده و بدین منظور، تفاسیر مختلفی از کتب مقدس این سه دین درموضوع آخرالزمان انجام شده است. شباهت‌های بسیاری نیز میان این سه دین در توصیف آینده جهان خصوصاً دوران ظهور منجی (در هر کدام از این ادیان) وجود دارد اما یکی از مهم‌ترین نکات،

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه السلام تهران (نویسنده مسئول) (omid_vatan@yahoo.com).

۲. استادیار دانشگاه امام صادق علیه السلام تهران.

۳. در این‌جا غرب آسیا، منظور همان محدوده‌ای است که از سوی متفکران غربی به عنوان خاورمیانه نامیده شده است و استفاده از این لفظ در طول مقاله به دلیل ترجمه بودن و وفاداری به متن اصلی است.

نبردهایی است که از منظر این سه دین ابراهیمی در آخرالزمان رخ خواهد داد و بشریت را درگیر خود کرده تا پیروان ادیان پس از زدودن تاریکی‌های ضلالت، به آرامشی مثال زدنی دست یابند. این مقاله در پی پاسخ به این سئوال است که؛ جایگاه و نقش ژئوپلتیك غرب آسیا در نبردهای آخرالزمان از منظر ادیان ابراهیمی‌اسلام، مسیحیت و یهودیت چه کیفیتی دارد و تفاسیر و دیدگاه‌های علمای این ادیان چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی داراست؟ روش انجام این تحقیق، به صورت تحلیلی و توصیفی است که با الهام‌گیری از تحلیل محتوای بیش از هزار و پانصد روایت در موضوع نشانه‌های ظهور و مباحث مرتبط با آخرالزمان و نبردهای آخرالزمانی، استخراج و احصاء شده است. در نهایت این مقاله برآن است تا با مطالعه‌ای تطبیقی میان روایات رسیده از این سه دین درموضوع جنگ‌های آخرالزمان و برخی تفاسیر آنها، نقش ژئوپلتیک غرب آسیا را در این مبارزات، مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی

ژئوپلتیک، خاورمیانه، غرب آسیا، آخرالزمان، آرمگدون، سفیانی، امام مهدی علیه‌السلام، اسلام، کتاب مقدس.

مقدمه

در روزگاری به سر می‌بریم که به گفته بسیاری از اندیشمندان اسلامی و غیراسلامی؛ عصر آخرالزمان است. این عصر ویژگی‌های بسیاری دارد که از جمله آنها، جنگ‌هایی است که در آخرالزمان رخ می‌دهد. این جنگ‌ها برای اسلام‌گرایان و معتقدان به کتاب مقدس (Holy Bible) در دهه‌های اخیر از دهه ۱۹۶۰ میلادی بسیارمورد توجه و اهمیت قرار گرفته است.

در بسیاری از عقاید این جنگ‌ها میان اسلام و کتاب مقدس اتفاق نظر وجود دارد اما در کتاب مقدس روایاتی ذکر شده که با کتب روایی اسلامی (خصوصاً شیعی) منطبق نبوده و گاهی اوقات در تعارض است.

دغدغه‌هایی که اکنون در جهان نسبت به این جنگ‌هاست، ظاهری دینی و مذهبی دارند اما به اعتراف جغرافی‌دانان سیاسی در باطن بسیار پیچیده و در میان تمام مناطق ژئوپلتیکی جهان می‌باشد.

طبق توصیه ادیان، هردینی مبلغان خاصی را باید در اختیار داشته باشد تا بتواند دین خود را بهترین دین جلوه داده و معتقدان بیشتری را جذب خود کند. در عصر آخرالزمان هم بیشتر

تبلیغات مذهبی خصوصاً پس از انقلاب اسلامی ایران، توجه خود را به جنگ های آخرالزمان جلب کرده است و می توان گفت که طرف معتقد به کتاب مقدس، انقلاب اسلامی ایران را روشن شدن آتش این جنگ ها می داند ولی چگونه به این نتیجه رسیده است؟!

در غرب، خصوصاً در ایالات متحده امریکا تبلیغات بسیار گسترده و پیچیده‌ای درحال انجام است که با زیرکی تمام از طریق رسانه ها، احساسات مردم را تحت کنترل خود قرار داده و تعابیر اشتباه خود را که به منافع شان مربوط است به مردم انتقال داده و مردم نیز که احساسات شان تحت تأثیر و تحریکات رسانه است به راحتی این تبلیغات را می پذیرند.

و اما از اینجا، راه مستقیم جدا و آشکار است. کسانی که بر کتب مقدس شان تسلط کافی و مطلوبی دارند این تعابیر را با کتاب های شان بررسی می کنند و زمانی که درمی یابند مفاهیم اشتباهی وارد اندیشه مردم شده به مقابله با آن می پردازند و دیدگاه مثبت قبلی خود را نسبت به این افراد از دست می دهند و راه خود را از آنها جدا می کنند تا به راه راست بروند. تعداد این افراد در جامعه امریکا که فساد زیادی را متحمل است، بسیار کم می باشد.

و مخالفت های سیاسی نیز که از جانب برخی کشورها نسبت به این سیاست ها، انجام شده نه تنها از سرعت این تبلیغات نکاسته بلکه به تبلیغ علیه همین کشورها نیز منجر می شود.

این مقاله برآن است تا با مطالعه‌ای تطبیقی میان روایات رسیده از این سه دین درموضوع جنگ های آخرالزمان و برخی تفاسیر آنها، نقش ژئوپلتیک غرب آسیا را در این مبارزات، مورد بررسی قرار دهد.

سوال اصلی

جایگاه و نقش ژئوپلتیک غرب آسیا در نبردهای آخرالزمان از منظر ادیان ابراهیمی اسلام، مسیحیت و یهودیت چه کیفیتی دارد؟ و تفاسیر و دیدگاه های علمای این ادیان چه شباهت ها و تفاوت هایی داراست؟

روش تحقیق

روش انجام این تحقیق، به صورت تحلیلی و توصیفی است. در این حالت نویسندگان ابتدا با استفاده از کتب، مقالات و پایگاه های اطلاعاتی نزدیک به دوهزار روایت درباره مهدویت و نشانه های ظهور را احصاء کرده و پس از حذف موارد تکراری یا غیرمرتبط یا مشکوک، به حدود هزار و پانصد روایت رسیدند. بعد از آن با الهام گیری از تحلیل محتوای روایت در موضوع نشانه های ظهور و مباحث مرتبط با آخرالزمان و نبردهای آخرالزمانی، نقش و جایگاه غرب آسیا

در نبردهای آخرالزمانی استخراج و احصاء شده است.

خاورمیانه (غرب آسیا) کجاست؟

> «اصطلاح خاورمیانه را نخست بار یک مورخ وابسته به نیروی دریایی امریکا به نام ماهان[1] در بخش راجع به استراتژی نیروی دریایی بریتانیا در ارتباطات با فعالیت روسیه در ایران و یک پروژه آلمانی در خصوص احداث خط آهن بین برلین و بغداد به کار برد. منظور وی از خاورمیانه منطقه‌ای بود که مرکز آن خلیج فارس واقع می‌شد» (برمونت و دیگران، ۱۳۶۹:۱)

ژرژ لنچافسکی در کتاب خودش به نام «*تاریخ خاورمیانه*»، خاورمیانه را مغرب پاکستان، جنوب شوروی (سابق) به علاوه مصر در قاره افریقا می‌داند. همچنین در این کتاب اشاره کرده که خاورمیانه بین نصف‌النهار ۳۰ و ۴۰ قرار گرفته است. او نهایتاً کشورهای ترکیه، ایران، افغانستان، عراق، سوریه، لبنان، اسرائیل، اردن، مصر، عربستان سعودی و یمن را کشورهای خاورمیانه می‌داند. (لنچافسکی، ۱۳۳۷)

فیشر در کتابش به نام «The middle east» می‌نویسد که لفظ خاورمیانه، لفظی نیست که اتفاق عمومی بر گستره آن وجود داشته باشد و لذا تعاریف بسیاری در این زمینه وجود دارد. (Fisher,1978)

در این محدوده تمامی‌کشورها اسلامی‌هستند و همین نکته موجب شده تا این محدوده در اروپا به قلمرو اسلام و مرکز جهان اسلام شناخته شود.

مرزهای این محدوده نیز در عین خودش جالب و بحث‌برانگیز است به این صورت که مرزهای شرقی آن را شرق ایران و دیگر مرزهای آن مرزهای آبی هستند مانند دریای مدیترانه شرقی، دریای سرخ، دریای عربی، دریای عمان و خلیج فارس که در حال حاضر و در آینده، همین آب‌های خاورمیانه سرنوشت‌ساز خواهد بود. (عزتی، ۱۳۷۲: ۱۷۰)

همین مرزهای دریایی و مرزی که از طریق کشورهای ترکیه یا مصر به صورت خشکی است موجب شده تا این محدوده هم مکمل عملیات استراتژی نظامی‌و خشکی و دریایی باشد. (عزتی، ۱۳۷۲: ۱۷۰) برای همین ادعا می‌توان به جنگ عراق و کویت اشاره کرد که در مدت زمان بسیار کوتاهی این کشور از راه دریایی و خشکی مورد حمله قرار گرفت.

درهمین راستا می‌توان به نقش تنگه هرمز و منابع آب اسرائیل اشاره کرد که به ادعای برخی

1. A.T.Mahan

نویسندگان غربی ممکن است ایران این تنگه را مسدود کند و همین امر موجب قطع ارتباط با کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌شود و اما در مورد منابع آب اسرائیل، دو کشور سوریه و اردن احتمال قطع یک‌جانبه و یا دوجانبه آب (رود اردن) را دارند که همین امر به ایجاد یک بحران گسترده در اسرائیل دامن می‌زند. (کمپ وهارکاوی، ۱۳۷۳: ج۱، ۳۳)

و اما دیگر موانع، کوه‌ها و صحراهایی است که در این محدوده وجود دارد. این محدوده از شروع آن از سمت غرب دارای صحرا و رشته کوه‌هایی است که اهمیت سیاسی و نظامی این منطقه را چندین برابر می‌کند و مشکلات زیادی را برای مهاجمین به این منطقه ایجاد می‌کند. همین بحث موجب شده تا چشم غرب همیشه به این منطقه باشد؛ منطقه‌ای که دارای منابع عظیمی است خصوصاً در بحث نفت این محدوده بسیار اهمیت دارد و اما درمورد هجوم به این منطقه از لحاظ زمینی درمانده‌اند و شاید تشکیل دولت اسرائیل نیز در راستای همین هدف (تسخیر جهان اسلام و خاورمیانه) باشد. در همین راستا نیز صحرای سوریه و صحرای سینا نه درآینده بلکه در گذشته نیز نقش مهمی‌را در جنگ‌ها ایفا کرده‌اند.

به ادعای برخی نظریه‌پردازان، اگر اسلام به نقش ژئوپلتیکی خودش پی ببرد و به نیروی ایمان مذهبی‌اش تکیه کند می‌تواند بدون آن‌که مکمل‌های قدرتی (تسلیحات و...) داشته باشد ـ البته با توضیحاتی که داده شد ـ قدرت سومی‌بین شرق و غرب پدیدآورد.

ژئوپلتیک غرب آسیا

در تعریف واژه ژئوپلتیک (geopolitics)، دانشمندان علم ژئوپلتیک، تعاریف زیادی را ارائه کرده‌اند و به طور کلی اتفاق نظر روی تعریف واژه ژئوپلتیک وجود ندارد با این حال چند تعریف از این واژه در این علم ارائه شده است که در زیر می‌آوریم:

> واژه ژئوپلتیک که ابتدا در سال ۱۸۹۹ میلادی توسط دانشمند سوئدی به نام رودولف کیلن (Rudolf Kjellen) وضع شد به بخشی از معلومات حاصله ناشی از ارتباط بین جغرافیا و سیاست اطلاق گردید. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۳)

عزت الله عزتی از دانشمندان این علم در ایران در تعریف این واژه نوشته است:

> علم ژئوپلتیک به بررسی نقش عوامل محیط جغرافیایی در سیاست می‌پردازد. از زمان عنوان شدن واژه ژئوپلتیک، معنای تقابل قدرت با یک سرزمین و انسان‌هایی که در آن سکونت دارند مطرح بوده است و خلاصه این‌که این واژه نقشی بسیاراساسی در تولید قدرت داشته است. (عزتی، ۱۳۹۲: ۵)

اما چرا می‌گوئیم که محدوده غرب آسیا، محدوده‌ای حیاتی به شمار می‌رود؟

مناطق حیاتی (Vital regions) به محدوده‌ای اطلاق می‌شود که به لحاظ مادی (مانند منابع طبیعی گرانبها و کمیاب) یا فرامادی (نظیر میراث دینی ـ مذهبی) و یاهردو به ساکنانش حیات می‌بخشد به گونه‌ای که بدون آن منابع مادی و فرامادی، ساکنان این مناطق بسیارعادی دیده می‌شوند. (نصری، ۱۳۹۳: ۱۵)

با این تعریف، منطقه غرب آسیا که یکی از محدوده‌هایی در دنیاست که ذخائر وافری از انرژی خصوصاً نفت و گاز را در اختیار دارد و از سوی دیگر، ادیان ابراهیمی‌ریشه در این محدوده داشته و تاریخ بسیارپرسابقه‌ای نیز متعلق به این منطقه می‌باشد، از مهم‌ترین مناطق حیاتی دنیا محسوب می‌شود چنان‌که در ملاک حیاتی بودن یا نبودن یک منطقه، نصری در کتاب خودش چنین می‌آورد:

ملاک حیاتی بودن یا حیاتی دیدن یک منطقه این است که بازیگر ذینفع بتواند با تملک یا کنترل بر آن منطقه بر قدرت و اعتبار خود بیفزاید و با از دست دادن تملک یا کنترل آن منطقه، ارزش‌های حیاتی (نظیر تمامیت ارضی، حکومت سیاسی یا انسجام اجتماعی) خود را در معرض خطر ببیند. (همان: ۱۹)

با توجه به حضور درازمدت نیروهای خارجی در این محدوده خصوصاً از زمان جنگ جهانی دوم (و همزمان با نامیدن این منطقه به خاورمیانه)، می‌توان گفت این منطقه از جهات مختلف برای این نیروها و کشورهایشان اهمیت داشته است.

جنگ‌های آخرالزمان از منظر دین اسلام

جنگ‌های سفیانی

به سبب آن که در ادامه این مقاله، جنگ آرمگدون را توضیح خواهیم داد، تنها جنگی که می‌توان آن را معادل با جنگ موعود آرمگدون دانست، ظهور سفیانی و جنگ‌های او می‌باشد فلذا از بقیه جنگ‌های آخرالزمان صرف نظر نموده، به این جنگ به طور خاص می‌پردازیم.

شخصیت و جهت‌گیری‌های مذهبی سفیانی

مشهور است که نام سفیانی «عثمان» و نام پدرش «عنبسه» می‌باشد (راوندی، ۱۴۰۹: ج۳، ۱۱۵۰). مشهورترین و معروف‌ترین لقب او سفیانی است (او را از آن جهت سفیانی می‌نامند که از تبار ابوسفیان است). از دیگر القاب او «صخری» منسوب به صخر پدر ابوسفیان است (نعیم بن حماد، ۱۴۱۴: ۲۷۶).

در بسیاری از روایات آمده است که نسب سفیانی از طریق پدر به بنی‌امیّه و از طریق مادر به بنی‌کِلاب (قبیله کلاب) می‌رسد، همان‌طور که امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

هُوَ مِنْ بَنِی أُمَیةَ وَ أَخوَالُهُ کَلب؛

او از تبار بنی‌امیّه و دایی‌های او از خاندان کلب هستند (ابن طاووس، ۱۴۱۵: ۹۶).

در این باره امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

دعوای ما و آل ابی‌سفیان در مورد خدا است، در راه خدا با هم دشمنی کردیم، ما گفتیم خدا راست می‌گوید آنها گفتند خدا دروغ می‌گوید و لذا ابوسفیان با پیامبر صلی الله علیه و آله، معاویه با امیرمؤمنان علی علیه السلام و یزید با امام حسین علیه السلام جنگید و سفیانی با قیام‌کننده ما خواهد جنگید (شیخ صدوق، ۱۳۳۸: ۳۴۶).

امام باقر علیه السلام در روایتی می‌فرمایند:

سفیانی هنگامی‌که از ممالک روم[۱] بازمی‌گردد صلیب به گردن می‌آویزد (سلیمان، ۱۳۷۱: ج۲، ۱۱۰۸).

می‌توان از این حدیث نتیجه گرفت که پس از فتنه‌انگیزی‌هایش به غرب مراجعه کرده و پس از بازگشت به یکی از عمال غرب تبدیل شده و همچنین به گردن آویختن صلیب نیز متعلق به بنیادگرایان یا اصولگرایان مسیحی است که به صهیونیست‌ها نیز مشهورند و این درحالی است که قبل از این ماجرا، او در عراق به نام اسلام از مردم بیعت گرفته است.

ظهور این فرد و مکان و کیفیت آن

ظهور این فرد که در کتب اسلامی به نشانه حتمی ظهور نام برده شده، در سرزمین شام و به قولی در وادی یابس است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

سفیانی بی درنگ از وادی یابس خروج کرده وارد دمشق می‌شود. (سلیمان، ۱۳۷۱: ج۲، ۱۰۸۳)

درپی ظهور سفیانی، اولاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به استانبول (قسطنطنیه) فرار می‌کنند و سفیانی همان‌طور که ذکر کردیم با غرب در تماس است، این افراد را از حاکم آن دیار مطالبه می‌کند و

۱. البته بعدها در همین منطقه بنابر روایاتی، میان روم و ترک جنگ در می‌گیرد که به دلیل آن‌که خاستگاه این دوسپاه در منطقه غرب آسیا نیست و به دلیل درحاشیه بودن این جنگ به آن نمی‌پردازیم.

آنها را پس می‌گیرد و تمامی آنها را می‌کشد:

امـام بـاقر علیه‌السلام مـی‌فرمایـد: «... بعـد از ورود او بـه دمشـق، اولاد پیـامبر اکـرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بـه قسطنطنیه می‌گریزند. سفیانی آنها را از زمامدار روم مطالبه می‌کند و زمامدار روم آنها را تحویل می‌دهد و سفیانی آنها را در پله‌های شرقی مسجد گردن می‌زند و کسی به او اعتراض نمی‌کند.» (سلیمان، ۱۳۷۱: ج۲، ۱۱۰۸)

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند:

سـفیانی بـا ۳۶۰ اسـب سـوار حرکـت کـرده، وارد دمشـق مـی‌شـود. مـاه رمضـان فرا نمی‌رسد جز این‌که ۳۰ هزار نفر از قبیله بنی کلب با او بیعت می‌کنند. آن‌گاه سپاه مجهـزی را بـه عـراق مـی‌فرسـتد و صـدهزارنفر را در بغـداد طعمـه شمشـیر مـی‌سـازد. (سلیمان، ۱۳۷۱: ج۲، ۱۰۸۳)

در همین زمان که سفیانی راه خود را از مسلمانان ـ البته نه به طور ظاهری ـ جداکرده با مبارزاتی مواجه می‌شود که در واقع می‌توان گفت که سپاهش را قوی‌تر و مجرب‌تر می‌سازد. یکی از این مبارزات قیام نژاد قیس از سرزمین مصر علیه سفیانی است:

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «چون سفیانی از حق منحرف شود و از شاهراه دین خارج شود نژاد قیس از مصر قیام می‌کند و با سپاه سفیانی مقابله می‌نمایند.» (سلیمان، ۱۳۷۱: ج۲، ۱۰۸۳)

سفیانی این سپاه را شکست می‌دهد و مصر را تحت سلطه خود درمی‌آورد.

برنامه‌ریزی‌های سفیانی برای جنگ‌ها

سفیانی قصد دارد تا اولاد نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را از روی کره زمین بردارد. به همین دلیل هرجا که حمله می‌کند قربانیان ابتدایی آن محل، سادات و همراهان آنها خواهندبود.

اما سفیانی در سوریه تنها به دمشق اکتفا نمی‌کند و شهرهای حمص، حلب و رقه در سوریه و رأس العین در فلسطین و بعد از آن ورود به عراق را مدنظر خود دارد تا بتواند این محدوده ژئوپلتیکی و بسیارمهم از لحاظ نظامی، سیاسی و... را بیش از پیش تحت کنترل خود درآورد.

امام علی علیه‌السلام در قسمتی از خطبه خود که به خطبه البیان معروف است می‌فرمایند:

... ای مـردم! بدانیـد وقتـی کـه سـفیانی ظـاهر شـود رویـدادهای عظیمـی بـرای وی خواهدبود. اولین رویداد در حمص سپس در حلب آنگاه در رقه بعد در قریه سبا سپس در رأس العین آنگاه در نصیبین سپس به موصل و سفیانی ۶۰ هزار نفر آنان را خواهد

کشت. (قزوینی، ۱۳۷۶: ۴۵۲)

تصرف شام

در چنین شرایطی که دمشق در دست سفیانی است، او فکر تصرف شام[1] را درسر می‌پروراند اما گروه‌هایی از مردم عرب از سرزمین شام برمی‌خیزند و علیه سفیانی دست به قیام می‌زنند که قبل از حرکت به سمت عراق، سفیانی سپاه این دو فرد شورش کننده خصوصاً ابقع و اصهب را متلاشی می‌کند و برشام خصوصاً سرزمین‌های حمص، حلب، اردن و فلسطین تسلط می‌یابد.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

> چون سفیانی به دمشق نزدیک شود، حاکم دمشق پا به فرار می‌گذارد و قبایل عرب بر او گردآیند. ربیعی، جُرهُمی، اصهب و دیگر شورش گران از اهل فتنه و هرج و مرج علیه او می‌شورند ولی سفیانی برهمه آنها غلبه می‌کند و برشام سیطره می‌یابد. (سلیمان، ۱۳۷۱: ج۲، ۱۱۱۶)

از این پس (تسلط سفیانی بر شام) در روایات ذکرشده که حکومت او بیش از ۹ ماه طول نخواهد کشید و خواهید دید که در همین ۹ ماه چه جنایاتی توسط این فرد رخ خواهد داد.

جنگ موعود قرقیسیا

سفیانی که هدفش عراق است در بین راه خود می‌بایست از قرقیسیا عبور کند. قرقیسیا شهری است در منطقه شمالی سوریه که در میان فرات و سرچشمه رودی به نام خابور قراردارد. این شهر حدود ۱۰۰ کیلومتر با مرزهای عراق و ۲۰۰ کیلومتر با مرزهای ترکیه فاصله دارد و در نزدیکی شهر دیرالزور می‌باشد. (الساده، ۱۳۸۵: ۱۲۷)

این جنگ به صورتی است که بین دو گروه درگیر است، بنابه روایاتی سفیانی در این جنگ یکی از طرفین است که صدهزار نفر را از طرف مقابل قربانی می‌گیرد و آن قدر تعداد کشته شدگان زیاد است که طبق روایتی در کتب اسلامی و حتی در کتاب مقدس، خداوند به پرندگان وحی می‌کند که از گوشت کشته‌شدگان که طبق روایات هر دو طرف جنگ، باطل هستند بخورند.

حذیفه بن منصور الخزاعی از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده که ایشان فرمودند:

---

۱. حدود شام به این صورت است: از شمال به آسیای صغیر، از شرق به رود فرات، از جنوب به جزیره العرب و از غرب به دریای مدیترانه منتهی می‌شود که پس از جنگ جهانی اول به کشورهای اردن، سوریه، فلسطین و لبنان اطلاق می‌گردد. (لغت نامه دهخدا، ذیل کلمه شام)

خداوند سفره رنگینی در قرقیسیا خواهدداشت. یکی از آسمان ندا کند: ای پرندگان آسمان و ای درندگان زمین! برای سیر کردن خود بشتابید به سوی گوشت ستمگران. (الکورانی، ۱۳۸۶: ۱۲۷)

همچنین در مکاشفه یوحنا آمده است که:

... و دیدم فرشته را، در آفتاب ایستاده که به آواز بلند، تمامی مرغانی را که در آسمان پرواز می‌کنند ندا کرده می‌گوید بیایید و به جهت ضیافت عظیم خداوند فراهم شوید تا بخورید گوشت پادشاهان و گوشت سپهسالاران و گوشت جباران و گوشت اسب و سواران آنها و گوشت همگان را، چه آزاد و چه غلام، چه صغیر و چه کبیر ... (کتاب مقدس، مکاشفه یوحنا، باب ۱۹ بندهای ۱۷ و ۱۸).

حمله به بغداد

پس از مبارزه و پیروزی سفیانی در قرقیسیا، او قصد تصرف بغداد را می‌کند. ۱۳۰ هزار نیروی نظامی به سمت بغداد می‌فرستد و در عرض سه روز در کنار رود دجله ۷۰ هزار نفر را می‌کشد به طوری که آب دجله از کثرت خون، سرخ رنگ شده و بوی اجساد نیز فضای شهر را آلوده می‌کند.

علی بن مهزیار از حضرت ولی‌عصر(عج) نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

... سفیانی قصد زوراء (بغداد) می‌نماید بعد از آن که او ۱۳۰ هزار جنگجو به آنجا فرستاده و در اطراف آن پل ۷۰ هزار نفر در مدت سه روز کشته شوند، آب دجله از کثرت خون سرخ رنگ شود و بوی بد اجساد متصاعد باشد... (عارف، ۱۳۸۲: ۱۶۲)

حمله به کوفه

هدف بعدی سفیانی طبق این حدیث، کوفه است. سفیانی ارتشی متشکل از ۷۰ هزارنفر را به سمت کوفه روانه کرده و مردم آنجا را کشته یا دار می‌زند. در همین رابطه از امام باقر(ع) روایت شده است که:

سفیانی سپاهی را که تعدادشان به ۷۰ هزارنفر می‌رسد روانه کوفه کند و اهل آن سامان را با کشتن و دارزدن و اسارت گرفتار سازد ... (الکورانی، ۱۳۸۶: ۱۳۳)

در روایت دیگری از پیامبر اکرم(ص) پیرامون اعمال وحشیانه سفیانی نقل شده که فرمودند:

یَخرُجُ رَجُلٌ یقَالُ لَهُ السُّفیانی فِی عُمقِ دِمَشق وَ عَامَّةُ مَن یتبَعُهُ مِن کَلب فَیقتُل حَتَّی یبقُرَ بُطونَ النِّسَاء وَ یقتُلَ الصِّبیان؛

> مردی از دمشق خروج می‌کند که به او سفیانی گفته می‌شود همه کسانی که از او پیروی می‌کنند از خاندان کلب هستند، می‌کشد تا آنجا که شکم بانوان را پاره می‌کند و بچّه‌های آنها را به قتل می‌رساند (سیوطی، ۱۴۰۴: ج۵، ۲۴۱).

حاکم نیشابوری پس از نقل این روایت می‌گوید که این حدیث بر اساس معیارهای بخاری و مسلم صحیح می‌باشد (حاکم نیشابوری، بی‌تا: ج۴، ۵۲۰).

در بعضی از احادیث عامّه از کشته شدن ۷۰ هزار نفر در عین التمر[1] و از تعدّی به حریم ۳۰ هزار نفر در کوفه بحث شده است (مقدسی حنبلی، ۱۴۲۷ق: ۳۱۰؛ مقدسی، ۱۳۹۹ق: ۷۷).

حمله به مدینه

در زمانی که سفیانی در شام حکومت می‌کند، ارتشی را همزمان با حمله به عراق، به سمت مدینه به راه می‌اندازد که مدینه را سه شبانه روز غارت کرده و مردم آن را قتل عام نموده و منبر مسجدالنبی را نیز نابود می‌کنند و به مقام پیامبرﷺ هتک حرمت می‌کنند.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند:

> سفیانی سپاهی را به سوی مدینه می‌فرستد و آن را خراب می‌کند و قبر شریف را ویران می‌سازد و استرهای خود را به مسجد النبیﷺ وارد می‌کند. (سلیمان، ۱۳۷۱: ج۲، ۱۱۲۳)

قیام‌های ضدسفیانی

الف) قیام خراسانی

طبق روایات اسلامی، قیامی در خراسان به وقوع پیوسته به قصد یاری رساندن و آماده‌سازی‌های قبل از ظهور مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف که به سمت عراق به حرکت درمی‌آیند.

این ارتش از خراسان حرکت نموده و در راه فردی از ری به نام شعیب بن صالح با چهارهزارنفر به این ارتش می‌پیوندد و سکان فرماندهی نیز به او واگذار می‌شود.

امام حسن مجتبی علیه‌السلام فرمودند:

> مردی گندمگون، چهارشانه و کوسه به نام شعیب بن صالح، با چهارهزارنفر از ری پیش از ظهور مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف خروج می‌کند. کسی در برابرش ایستادگی نمی‌کند جز این‌که کشته می‌شود. (سلیمان، ۱۳۷۱: ج۲، ۱۰۵۴)

---

۱. عین‌التمر نام شهری در نزدیکی انبار در غرب کوفه است.

در این حال که این سپاه به سمت عراق درحال حرکت است، سفیانی سپاه خود را برای تسخیر و کشتار کوفه آماده می‌کند که در راه، سفیانی از حرکت این ارتش باخبر می‌شود و سپاهی را برای مقابله با آنها به سمت خراسان می‌فرستد که در شیراز بین این دو ارتش جنگ درمی‌گیرد که سپاهیان سفیانی پا به فرار می‌گذارند.

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

> هنگامی‌که سپاه سفیانی به سوی کوفه عزیمت می‌کند، سفیانی گروهی را به جستجوی اهل خراسان می‌فرستد که برای یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه خروج کرده‌اند. سپاه سفیانی با سپاه سیدخراسانی در دروازه استخر روبرو می‌شود که مردی به نام شعیب بن صالح پرچم‌دار خراسانی‌هاست و پرچم‌های سیاهی در دست دارند. نبرد سختی در میان‌شان پدید می‌آید که سرانجام صاحبان پرچم‌های سیاه پیروز می‌شوند و سپاه سفیانی فرار می‌کند. (سلیمان، ۱۳۷۱: ج۲، ۱۰۵۱)

اما این ارتش از حرکت نمی‌ایستد، این ارتش هدفی بزرگ‌تر از شکست سپاه سفیانی دارد و آن هم یاری مهدی عجل الله تعالی فرجه است. به همین خاطر این لشکر به سمت عراق به حرکت می‌افتد و هیچ چیز جلودارشان نیست تا آن‌که به رود دجله می‌رسند و در همین حال است که شورش حیره[1] به وقوع می‌پیوندد.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

> سفیانی لشکری آراسته به سوی کوفه می‌فرستد آن‌جا با گروهی از شیعیان آل محمد صلی الله علیه و آله رودررو قرارمی‌گیرد و آنها را می‌کشد و به دار می‌آویزد. آن‌گاه پرچم (سید) خراسانی از سوی خراسان حرکت می‌کند و در کنار دجله نصب می‌شود و مرد ناتوانی از ایرانیان خروج می‌کند و خود و پیروانش در پشت کوفه (حیره) به قتل می‌رسند. (سلیمان، ۱۳۷۱: ج۲، ۱۰۳۱)

این ارتش برای ملحق شدن به سپاه مهدی عجل الله تعالی فرجه به سمت فلسطین به حرکت درمی‌آید و به سپاه مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌پیوندد و خود شعیب بن صالح نیز پرچم‌دار سپاه مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌شود.

امام صادق علیه السلام در وصف شعیب بن صالح فرمودند:

> جوانی است نورس، زرد و گندمگون، کوسه و خفیف اللحیه، کسی در برابرش نمی‌ایستد جز این‌که می‌کشد. اگر با کوه‌ها درگیر شود از بُن می‌کَند تا وارد سرزمین ایلیا (قدس) شود. او پرچم‌دار مهدی عجل الله تعالی فرجه خواهدبود. (سلیمان، ۱۳۷۱: ج۲، ۱۰۵۸)

---

۱. شهری است در ۶ کیلومتری جنوب شرقی نجف (آئینه‌وند، ۱۳۸۶: ۳۱)

ب) قیام یمانی

یکی دیگر از نشانه‌های ظهور، قیام یمانی است که همزمان با خروج سفیانی از صنعای یمن رخ می‌دهد؛ این تقارنِ زمانی یگانه علامت و نشانه شناخت یمانی است، چون از آن‌جا که یمانی شخصیت والا و برجسته‌ای است، لذا اشاره به ویژگی‌ها و اوصاف ظاهری ایشان باعث به وجود آمدن یمانی‌های دروغین در طول تاریخ می‌شود، از این رو در روایاتِ نشانه‌های ظهور تنها به همزمانی قیام یمانی با سفیانی، آن هم از صنعای یمن اشاره شده است:

> در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که «قَد يَكُونِ خُرُوجُهُ وَ خُرُوجِ اليَمَانِی مِنَ اليَمَنِ مَعَ الرَّأيَاتِ البيض فِی يَومٍ وَاحِدٍ وَ شَهرٍ وَاحِدٍ وَ سَنَةٍ وَاحِدَه» خروج سفیانی با خروج یمانی از یمن با پرچم‌های سفید در یک روز از یک ماه، در یک سال می‌باشد (میرلوحی، ۱۳۸۴: ۲۶۲).

در حدیث دیگری نیز می‌فرمایند:

> **اليَمَانِی وَ السُّفِيَانِی كَأَنَّهُمَا فَرَسَا رِهَانٍ؛**
> یمانی و سفیانی مثل دو اسب مسابقه پشت سر هم فرا می‌رسند (شیخ طوسی، ۱۴۱۴: ۶۶۱).

در روایاتی دیگر، قیام خراسانی و قیام یمانی نیز همزمان توصیف شده است که از میان آنها می‌توان به روایت زیر اشاره نمود:

> فضل بن شاذان با سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که «خُرُوجُ الثَّلَاثَةِ الْخُرَاسَانِی وَ السُّفْيانِی وَ الْيمَانِی فِی سَنَةٍ وَاحِدَةٍ فِی شَهْرٍ وَاحِدٍ فِی يوْمٍ وَاحِدٍ وَ لَيسَ فِيهَا رَايةٌ بِأَهْدَی مِنْ رَايةِ الْيمَانِی تَهدِی إِلَی الْحَقِّ» خروج سه تن، خراسانی، سفیانی و یمانی در یک روز، ماه و سال می‌باشد و در این میان پرچمی هدایت‌یافته‌تر از پرچم یمانی وجود ندارد که به سوی حق رهنمون می‌شود (خاتون‌آبادی، ۱۳۶۱: ۱۶۹).

ج) قیام حسنی

قیام حسنی نیز یکی دیگر از قیام‌ها دربرابر ظهور سفیانی می‌باشد. یکی از ویژگی‌های این قیام نیز، همزمان بودن آن با قیام یمانی گفته شده است. در تقارن قیام یمانی با سیّد حسنی احادیثی وجود دارد که از جمله آن روایتی است که کلینی با سند صحیح نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام سؤال شد فرج شیعیان شما چه زمانی است؟ ایشان فرمودند:

إِذَا اخْتَلَفَ وُلْدُ الْعَبَّاسِ وَ وَهَی سُلْطَانُهُمْ و طَمِعَ فِيهِمْ مَنْ لَمْ يكُنْ يطْمَعُ فِيهِم وَ خَلَعَت

الْعَرَبُ أَعِنَّتَهَا و رَفَعَ كُلُّ ذِی صِيصِيَةٍ صِيصِيَتَهُ وَ ظَهَرَ الشَّامِی وَ أَقبَلَ الْيَمَانِی وَ تَحَرَّكَ الْحَسَنِی وَ خَرَجَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ بِتُرَاثِ رَسُولِ اللهِ؛

وقتی بنی‌العبّاس با هم دچار اختلاف شوند و سلطنت آنها ضعیف شود و طمع بدوزند به آنها کسانی که نمی‌توانستند طمع کنند. و عرب افسار خود را رها کند و دیگر زیر بار کسی نرود، و صاحب هر سلاحی سلاح خود را بردارد، و سفیانی ظاهر شود، و یمانی روی آورد و حسنی هم حرکت کند و صاحب این امر با میراث رسول خدا از مدینه به سوی مکّه عزیمت نماید (کلینی، ۱۴۰۷: ج۸، ۱۸۹).

در این حدیث از تقارن قیام یمانی، سفیانی و سیّد حسنی سخن به میان آمده است. با توجه به این‌که حکومت بنی‌العباس در سال ۶۶۶ق منقرض شده است می‌توان مطلب این حدیث را چنین تعبیر کرد که در آستانه ظهور حضرت حجت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه حکومتی پایه‌ریزی خواهد شد که بنیان‌گذار آن از تبار بنی‌العباس و یا بر شیوه حکومتی آنان خواهد بود، به این معنا که علی‌الظاهر دوستدار اهل‌بیت علیهم‌السلام و در باطن با آنها دشمن است. امام کاظم علیه‌السلام در این‌باره می‌فرمایند:

حکومت بنی‌العبّاس بر اساس مکر و حیله است، از بین می‌رود گویا اصلاً چنین حکومتی نبوده است و از نو آغاز می‌شود گویی که اصلاً از بین نرفته بود (ابن ابی‌زینب، ۱۳۹۷ق: ۲۵۶).

د) شورش حیره

پس از تسلط سفیانی بر کوفه، بازهم گروه‌هایی ضد او شورش می‌کنند که این بار فاجعه‌ای توسط یکی از فرماندهان سفیانی به بار می‌آید و مابین کوفه و حیره جنایاتی اتفاق می‌افتد که خود همین کشتار نشانه‌ای برای ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه است.

امام کاظم علیه‌السلام فرمودند:

چگونه ممکن است امر ظور فرارسد درحالی که هنوز آن کشت و کشتار گسترده بین کوفه و حیره واقع نشده است؟! (سلیمان، ۱۳۷۱: ج۲، ۱۱۳۱)

جابر جعفی از امام باقر علیه‌السلام روایت کرده است که حضرت فرمودند:

... آن‌گاه مردی از موالیان کوفه با جمعی از مستضعفان کوفه خروج خواهدنمود و فرمانده سپاه سفیانی او را در بین حیره و کوفه خواهد کشت. (قزوینی، ۱۳۷۶: ۴۵۵)

هـ) ظهور مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه و واکنش سفیانی

در همین حال که سپاه سفیانی درحال غارت مدینه است به سفیانی خبر می‌رسد که

مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه ظهور کرده و اکنون در مکه است. سفیانی نیز برای مبارزه و نابودی حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه سپاهی که در مدینه است را راهی مکه می‌کند. این سپاه در سرزمینی مابین مدینه و مکه اتفاقی برایش می‌افتد. در این مکان که بیداء نام دارد زمین فرومی‌نشیند و تمامی‌سپاه سفیانی به جز دو برادر را درخود فرو می‌گیرد.

اصبغ بن نباته از حضرت علی علیه‌السلام روایت کرده که فرمودند:

> ... سپاهیان به فرماندهی مردی غطفانی رو به مکه می‌کنند. در میانه راه به بیابان سفیدی می‌رسند، درکام زمین فرو می‌روند و جز دو نفر که بناست نشانه‌ای برای دیگران باشند کسی باقی نمی‌ماند که خداوند صورت آنها را به پشت برگردانده است. (الساده، ۱۳۸۵: ۱۹۳)

همین دو نفر ناقل پیام این اتفاق به حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه و سفیانی خواهند بود.

لشکر حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه به سرعت برای نابودی ظالمین حرکت می‌کند و در واقع تقریباً همیشه درحال جنگ هستند.

امام رضا علیه‌السلام فرمودند:

> هنگامی‌که قائم ما خروج کند خون است و عرق ریختن و سوار مرکب‌ها بودن در میدان‌های مبارزه. (آقایی، ۱۳۸۰: ۴۱)

برخورد سپاه مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه با سپاه سفیانی

سریعاً لشکر مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه عراق و مصر را که تحت تصرف سفیانی است بازمی‌گرداند و به سمت سفیانی حرکت می‌کنند. مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه درکوفه اقامتی نموده و به سرعت در قدس توقف می‌کند. سفیانی که باخبر می‌شود باتوجه به شکست سرزمین بیداء و شکست‌ها و از دست دادن سرزمین‌هایش، تسلیم مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه گردیده اما با توطئه همراهانش بیعت خود را می‌شکند و آماده جنگ با مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه می‌شود. در پایان، سپاه سفیانی شکست سختی از مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه می‌خورد و خودش نیز سرنوشتی بهتر از بریده شدن سرش ندارد.[1]

امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

> وقتی آن پناهنده به مکه (مهدی) خبر فرورفتن در زمین بیداء را می‌شنود با دوازده هزارنفر که در میان آنها ابدال نیز حضور دارند قیام می‌کند و از مکه خارج می‌شود تا آن‌که در ایلیاء (قدس) فرود آید. سفیانی که این خبر را می‌شنود، می‌گوید: به خدا

۱. این داستان در بخش جنگ آرمگدون نیز بررسی خواهدشد.

سوگند، خداوند در این مرد عبرتی قرارداده است. من سپاهی مقتدر و مجهز به سوی او فرستادم اما در زمین فرورفتند. این امر مایه عبرت است. از این رو سفیانی تسلیم وی شده، پیرو او می‌گردد. او از آن‌جا بیرون می‌رود تا آن‌که به دایی‌هایش از طایفه بنی کلب برمی‌خورد. آنها او را سرزنش می‌کنند و می‌گویند: خدا پیراهن (سروری) را برتنت کرده بود اما تو خود، آن را بیرون آوردی! می‌گوید: نظر شما چیست؟ آیا بیعتش را پس دهم؟ می‌گویند: آری. سپس سفیانی به ایلیا نزد امام رفته و می‌گوید بیعتم را پس بگیر. حضرت می‌فرماید آیا چنین دوست می‌داری؟ می‌گوید: آری. امام بیعتش را از او برمی‌دارد و سپس می‌گوید این مرد از طاعت من خارج شده است... . (صدر، ۱۳۸۴: ۳۳۸)

عاقبت سفیانی

امام رضا علیه السلام فرمودند:

سفیانی روی تخته سنگی در دروازه ایلیا (بیت‌المقدس) سر بریده می‌شود. (سلیمان، ۱۳۷۱: ج۲، ۱۱۳۳)

عاقبت جهان پس از این جنگ‌ها

به گفته روایات اسلامی، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به تصرفات خود ادامه خواهدداد و به سمت ترکیه به پیش می‌رود و از طرفی لشکری بزرگ را برای فتح اروپا و امریکا به راه می‌اندازد که همگی آنها در جنگ‌هایشان پیروز خواهند شد. پس از آن حکومت عدل الهی به دست مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و وزیران عجم او در سطح کل جهان تشکیل خواهدشد و همه انسان‌ها خدای یکتا را پرستیده تا زمانی که قیامت برپا شود.

جنگ‌های آخرالزمان به اعتقاد کتاب مقدس[1]

شاید برای برخی از خوانندگان این مقاله این نکته حائز اهمیت باشد که کتاب مقدس (Holy Bible) تشکیل می‌شود از عهد عتیق و عهد جدید. عهد عتیق به کتبی از کتاب مقدس می‌گویند که پیروان یهودیت بدان اعتقاد دارند و عهد جدید نیز بخشی از کتاب مقدس است که مسیحیان بدان معتقد می‌باشند. اما نکته دیگری که در این‌جا اهمیت دارد این است که پیروان دین مسیحیت، به عهدین (عهد عتیق و جدید) اعتقاد دارند اما یهودیان اعتقادی به

1.Holy Bible

عهدجدید مسیحیان ندارند.

با این توضیح می‌توان گفت روایاتی که از بخش عهدعتیق کتاب مقدس (مانند مزامیر داود، حزقیال نبی و...) دیده می‌شود مورد تأیید مسیحیان و یهودیان می‌باشد و روایاتی که از عهد جدید بیان می‌شود، مورد اعتقاد مسیحیان است.

جنگ موعود آرمگدون[1]

به اعتقاد کتاب مقدس[2] در آخرالزمان جنگی میان نیروهای خیر و شر (Hornby,2005,p.69) به وقوع خواهدپیوست که به نقل برخی تفاسیر از کتاب مقدس، جنگی است که در جایی به اسم «حار مجدون»[3] در ۲۰ مایلی جنوب شرقی حیفا در فلسطین به وقوع می پیوندد. نام این جنگ (آرمگدون) نیز از این اسم عبری گرفته شده است.

گرانت جفری (Grant R. Jeffery) یکی از نویسندگان بزرگ اوانجلیست درباره جنگ موعود آرمگدون می‌نویسد:

> پیش‌گویی‌ها در انجیل به طوری بسیار واضح بیان از یک سری وقایعی پرده برمی‌دارد که نشانگر درگیری نهایی تاریخ در آینده است. این وقایع باورنکردنی نهایتاً به اوج گرفتن برنامه عظیم خداوند منجر می‌شود، امید بازگشت مسیح و پایه‌ریزی حکومتش بر زمین. (Jeffery,1991,p.7 & 8)

در این جنگ بسیاری از مردم (دو سوم) کشته می‌شوند که تفاسیر زیادی از این عدد دو سوم وجود دارد مانند این‌که، این دو سوم یهودیان هستند و... کشته شدن این دو سوم مورد قبول منابع اسلامی و کتاب مقدس است.

در مکاشفه یوحنا می‌خوانیم:

> ... و ششمین پیاله (خشم خداوند) را بر نهر عظیم فرات ریخت و آبش خشکید تا راه پادشاهانی که از مشرق می‌آیند مهیا شود ... (کتاب مقدس، مکاشفه یوحنا باب ۱۶ بند ۱۲).

اگر این بند از مکاشفه یوحنا را تا بند شانزدهم، ادامه دهیم به این جملات می‌رسیم:

> سپس سه روح شیطانی را دیدم... روح‌های شیاطین ... و آنها به سمت پادشاهان کل

1.Armageddon

۲. در این موضوع مسیحیان و یهودیان اتفاق نظر دارند و اگر اتحادی هم میان این دو دین وجود دارد به دلیل همین عقیده آرمگدون است.

۳. در زبان عبری، حار به معنای کوه است.

دنیا خروج می‌کنند تا آنها را برای جنگ در روز بزرگ خداوند قادر جمع کنند ... آنها پادشاهان را در جایی که به عبری آن را آرمگدون می‌نامند، گردهم می‌آورند. (Willis and Willis,2006,p.39)

و این تنها جایی است که لفظ آرمگدون در کتاب مقدس وجود دارد.

ویلز در ادامه بیان این بند از مکاشفه یوحنا می‌آورد:

با نگاه به بسیاری از مفسرین، نویسنده ناشناس از آخرین کتاب در کتاب مقدس (مکاشفه یوحنا) وقایعی را توصیف می‌کند که به جنگ نهایی در دنیا منجر می‌شود که با بازگشت یک فرد سوار بر اسب سفید (rider on a white horse) به اتمام می‌رسد. نام این سوارکار، مؤمن و صادق (Faithful and True) می‌باشد، او ارتش‌های ضدمسیح را در بزرگ‌ترین جنگ تاریخ در دره‌ای به نام مجدو (Megiddo) که دشتی وسیع در اسرائیل می‌باشد، شکست می‌دهد. (همان: ۳۹)

ضمن آن‌که ابوبصیر از امام صادق علیه‌السلام روایت نموده که فرمودند:

این امر (قیام مهدی) نخواهدبود تا دو سوم مردم از بین بروند. (الکورانی، ۱۳۸۶: ۲۰۷)

این جنگ که قبلاً هم ذکر شد در فلسطین می‌باشد و کتاب مقدس نیز این را تأیید می‌کند و هدف مهاجمان را تصرف اورشلیم و نابودی یهودیان معرفی می‌کند که در ادامه آن با مقابله خداوند، این مهاجمین کاری از پیش نبرده و همگی آنها نابود خواهندشد.

در کتاب زکریای نبی می‌خوانیم:

جمیع امت‌ها را به ضداورشلیم برای جنگ جمع خواهم کرد و شهر را خواهند گرفت و خانه‌ها را تاراج خواهند نمود و زنان را بی‌عصمت خواهند کرد و نصف اهل شهر به اسیری خواهندرفت و بقیه قوم از شهر منقطع نخواهند شد و خداوند بیرون آمده با آن قوم‌ها مقاتله خواهد نمود چنان‌که در روز جنگ مقاتله نمود... و یهوه برتمامی‌زمین پادشاه خواهدبود در آن روز یهوه واحد خواهدبود و اسم او واحد (کتاب مقدس، زکریای نبی باب ۱۴ بندهای ۲، ۳ و ۹).

پس از این جنگ به روایت کتاب مقدس، خداوند بر نیروهای شر غلبه یافته و ملت‌های جهان را برای فسادهایی ـ که در کتاب مقدس ذکر شده ـ مؤاخذه خواهدکرد و پس از آن خداوند به پادشاهی زمین می‌رسد و مردم نیز به دین خود بازگشته و خداوند را مورد ستایش قرار می‌دهند.

در مسیحیت نیز همین عقیده است با این تفاوت که به جای خداوند، پسرش (مسیح) به جنگ پرداخته و دجال که نماینده نیروهای شر است را می‌کشد و در آخر نیز مسیح سلطنت را به دست می‌آورد.

در مزامیر داوود می‌خوانیم:

> امت‌ها را توبیخ نموده و شریران را هلاک ساخته نام ایشان را محو کرده تا ابدالآباد واما دشمنان نیست شده، خراب‌های ابدی گردیده‌اند و شهرها را ویران ساخته حتی ذکر آنها نابود گردید لیکن خداوند نشسته است تا ابدالآباد... خداوند را که بر صهیون [۱] نشسته است بسرائید (کتاب مقدس، مزامیر داوود، مزمور ۹ بندهای ۵ تا ۱۱).

همچنین در مکاشفه یوحنا می‌خوانیم:

> و فرشته بنواخت که ناگاه صدای بلندی در آسمان واقع شد که می‌گفتند سلطنت جهان از آن خداوند ما مسیح شد و تا ابدالآباد حکمرانی خواهد کرد (کتاب مقدس، مکاشفه یوحنا، باب ۱۲ بند ۱۵).

در این جنگ بنا به باب ۱۶ از مکاشفه یوحنا خداوند رود فرات را می‌خشکاند تا سپاهی که از مشرق برای کشتار می‌آید به راحتی بتواند از رودخانه عبور کرده و به کشتار بپردازد.

تبلیغات و برخی تفاسیر به رأی‌ها درباره آرمگدون

۱. ادعای مالکیت فلسطین برای یهودیان و مظلومیت ملت یهود

بنا به گوشه‌ای از کتاب مقدس، یهودیان ادعا می‌کنند که اورشلیم و بسیاری از اماکن دیگر در مالکیت آنها قراردارد.

در کتاب زکریای نبی می‌خوانیم:

> یهوه چنین می‌گوید اینک من قوم خود (یهود) را از زمین مشرق و از زمین مغرب آفتاب خواهم رهانید و ایشان را خواهم آورد که در اورشلیم سکونت نماید و ایشان قوم من خواهندبود و من به راستی و عدالت، خدای ایشان خواهم بود (کتاب مقدس، زکریای نبی، باب ۸ بندهای ۷ و ۸).

ضمن آن‌که در همین رابطه از امام علی علیه‌السلام روایت است که فرمودند:

---

۱. صهیون کوهی است که در شهر بیت المقدس واقع است و مسجدالاقصی و قبل از آن به قولی هیکل سلیمان نیز روی این کوه ساخته شده‌اند. (نشاشیبی، ۱۳۶۷: ۵۵۶)

یهود برای تشکیل دولت خود به فلسطین خواهد آمد... به خدای بزرگ سوگند که یهودیان مانند گوسفند (به وسیله اعراب) کشته می‌شوند تا جایی که حتی یک نفر یهودی هم در فلسطین باقی نخواهد ماند. (دشتی، ۱۳۸۱: ۱۵۹ـ۱۶۰)

در اعترافی که یکی از اعضای پارلمان‌های گذشته اسرائیل به نام افرایم سنیه مطرح کرد این نکته نیز دیده می‌شود که:

هر کشور عرب که از قدرت و توان بالایی برخوردار شود، احتمال دارد روزی از آن علیه اسرائیل استفاده کند. (سنیه، ۱۳۸۱: ۱۱۱)

همین قضیه به دست‌آویزی برای سکونت یهودیان در فسلطین تبدیل شده است و از نیروهای عرب به عنوان نیروی شر در آن جنگ و از خودشان به انضمام آن‌که امت خداوند هستند، نیروی خیر معرفی می‌کنند.

حال که یهودیان، دولتی به نام اسرائیل تشکیل داده‌اند، نوبت به آن رسیده تا تبلیغات بسیار گسترده‌ای در سطح جهانی انجام دهند تا برخی بنیادگرایان مسیحی و صهیونیست‌ها را به اسرائیل بکشانند.

۲. استفاده از سلاح‌های جنگی در این جنگ

دیگر عقیده این است که این جنگ، جنگی به کمک سلاح‌های اتمی‌و هسته‌ای است که حتی در همین رابطه از کتاب حزقیال نبی در کتاب مقدس استفاده می‌کنند. در کتاب حزقیال نبی می‌خوانیم:

خداوند یهوه می‌گوید در آن روز یعنی در روزی که جوج به زمین اسرائیل می‌آید همانا حدت خشم من به بینی‌ام خواهد برآمد... ماهیان دریا و مرغان هوا و حیوانات صحرا و همه حشراتی که بر زمین می‌خزند و همه مردمانی که بر روی جهانند به حضور من خواهند لرزید و کوه‌ها سرنگون خواهد شد و صخره‌ها خواهد افتاد و جمیع حصارهای زمین منهدم خواهدگردید... و با خون بر او عقوبت خواهم رسانید و باران سیل‌آسا تگرگ سخت و آتش و گوگرد بر او و بر قوم‌های بسیاری که با وی می‌باشند خواهم بارانید (کتاب مقدس، حزقیال نبی، باب ۳۸ بندهای ۱۸ تا ۲۱).

از بخش «آتش و گوگرد» استفاده می‌کنند و می‌گویند که حتما این جنگ، جنگ سلاح هسته‌ای بود و حتی در برخی جاها اظهار می‌دارند که:

امکان ندارد که حزقیال نبی به چیز دیگری جز مبادله سلاح‌های تاکتیکی هسته‌ای اشاره کرده باشد. (هالسل، ۱۳۸۳: ۴۶)

و البته قسمتی دیگر از کتاب مقدس که بهتر و قابل‌فهم‌تر جنگ هسته‌ای را ترسیم می‌کند در کتاب زکریای نبی نقل شده است که:

> و این بلایی خواهدبود که خداوند بر همه قوم‌هایی که با اورشلیم جنگ‌کننده وارد خواهد آورد. گوشت ایشان در حالتی که برپاهای خود ایستاده باشند کاهیده (مانند کاه) خواهد شد و چشمان‌شان در حدقه گداخته خواهد گردید و زبان ایشان در دهان‌شان کاهیده خواهدشد... و بلای اسب‌ها و شترها و تمامی حیوانات که در آن اردوها باشند مانند این بلا خواهد بود (کتاب مقدس، زکریای نبی، باب ۱۴ بندهای ۱۲ تا ۱۵).

در این‌جا، صفاتی که برای کشته‌شدگان و طریقه کشتن آنها گفته شده است تقریباً با صفاتی که پس از اصابت بمب هسته‌ای به جایی پدید می‌آید منطبق است اما چگونه می‌توان این افرادی را که به اورشلیم حمله کرده‌اند را سپاهی از جانب شرق دانست!

البته در روایات اسلامی به سنگین بودن و پیچیدگی سلاح‌ها اشاره شده است اما این‌طور که به طورخاصی بر روی آن تفسیری نوشته شده باشد که این سلاح‌ها قطعاً هسته‌ای هستند این‌طور نیست.

حضرت علی علیه‌السلام فرمودند:

> ... مردی سوار بر تیزتکی که بافت درونی‌اش بسیار پیچیده است خبری می‌آورد... . (سلیمان، ۱۳۷۱: ج۲، ۹۲۱)

نتیجه‌گیری

به طور کلی باید گفت، منطقه غرب آسیا یک منطقه استراتژیک بوده و ویژگی‌های جغرافیایی و سیاسی آن و به طور عام تر، ویژگی‌های ژئوپلتیکی آن، این منطقه را برای هرکشور و سرزمین و تفکری مهم می‌کند. از طرف دیگر، تمرکز ادیان ابراهیمی در این محدوده و ظهور آنها در این منطقه می‌تواند مؤید دیگری بر اهمیت بناها و عبادتگاه‌ها و به تبع آن کتب مقدس این سه دین باشد.

به عقیده هر سه دین ابراهیمی (اسلام، یهودیت و مسیحیت)، در آخرالزمان جنگ‌هایی رخ می‌دهد که بنابر اقوال مطرح شده در روایات این سه دین، این جنگ‌ها در منطقه غرب آسیا رخ می‌دهد.

از مجموع این دو (اهمیت ژئوپلتیکی غرب آسیا و پیش گویی‌های ادیان از رخ دادن جنگ‌ها در این ناحیه از جهان) می‌توان نتیجه گرفت که این محدوده از جهت ژئوپلتیکی،

نقش به سزایی در جنگ‌های آخرالزمان ایفا خواهدکرد. البته تفاسیر بسیار زیادی درمورد کیفیت جنگ‌ها وجود دارد که برخی‌ها آن را حتی با ابزارهای روز دنیا مانند جنگ‌های اتمی و... نیز تعبیر کرده‌اند.

اکنون می‌توان درک کرد که در ابتدای پژوهش اختلافات مذهبی ادیان اندک است و اگر زیاد است به راحتی با به کاربردن استدلال‌های منطقی، قابل حل است اما برخی تفسیرها و نظریه پردازی‌ها مانع حل این اختلافات شده و حتی در برخی جاها موجب صدمه‌های جدی به اعتقادات گروه بزرگی از مردم شود.

یک تفسیر غلط می‌تواند تا جایی مؤثر باشد که غرب آسیا را به هدف توپ‌های فرهنگی و نظامی امریکا تبدیل کند و فجایع بزرگ انسانی را در غزه، عراق و افغانستان پدید آورد و حتی برای کشتار آیندگان این جهان بنا به همین تفسیر غلط تصمیم بگیرند.

راه‌حل این مشکل، مسلماً کنار گذاشتن تفاسیر اشتباه در این زمینه می‌باشد. اما تشخیص تفاسیر اشتباه به عهده چه کسانی است؟ مسلماً علمای سه دین ابراهیمی، محور و مرکز اندیشه‌های صحیح می‌باشند چراکه سال‌ها در این زمینه تحصیل نموده و می‌توانند استنباط‌های صحیح تری داشته باشند. پس اگر علمای این سه دین ابراهیمی، پابه عرصه بگذارند قطعاً به راحتی تفاسیر اشتباه و فریبنده از بین خواهدرفت و آینده‌ای زیباتر با دنیایی پر از صلح ترسیم خواهد شد.

درکل، می‌توان گفت که دلبستگی‌های بیش از حد برخی‌ها به دنیا و چشم طمع دوختن ایشان به چند کیلومتر سرزمین و به دست آوردن بیشتر مناطق ژئوپلتیکی موجب دوری از دین و در ادامه آن در راستای رسیدن به آن مناطق مهم، اختلاف‌اندازی در بین ادیان را پیش می‌آورد تاجایی که مسیحیان و یهودیانی که چندین سال دشمن یکدیگر بوده‌اند با تأکید بر برخی آموزه‌های دینی اشتباه، ناگهان متحد می‌شوند و بر ادیان دیگر خصوصاً اسلام یورش می‌برند.

منابع

- ابن ابی زینب، محمدبن ابراهیم. ***الغیبه***. تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ ق.
- ابن بابویه، محمدبن علی. ***معانی الأخبار***. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی. ***التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن***. قم: مؤسسه صاحب الامر، ۱۴۱۶ق.
- امامی، محمدجعفر و آشتیانی، محمدرضا. ***نهج البلاغه با ترجمه گویا و شرح فشرده***. انتشارات الامام علی بن ابیطالب، ۱۳۷۹.
- آران، گیدیون. ***بنیادگرایی صهیونیستی یهود: گروه مؤمنان در اسرائیل (گاش امیونیم)***. ترجمه: احمد تدین. بی‌جا: انتشارات هرمس، ۱۳۷۸.
- آئینه‌وند، صادق. ***اطلس تاریخ اسلام***. بی‌جا: انتشارات مدرسه، ۱۳۸۶.
- بی ناس، جان. ***تاریخ جامع ادیان***. ترجمه علی‌اصغر حکمت، بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۴۵.
- بی نام. ***کتاب مقدس***. لندن: BFBS، ۱۹۲۰.
- بیومونت، پیتر، بلیک، جرالد و مالکوم واگ استاف. ***خاورمیانه***. ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، محمود رمضان‌زاده و علی آخشینی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.
- پاک آئین، مریم. دروازه لد، محل فرود مسیح. ***ماه‌نامه موعود (۱۰۱)***: ۳۸-۳۹، ۱۳۸۸.
- پورسیدآقایی، سیدمسعود. ***پیدای پنهان***. قم: انتشارات حضور، ۱۳۸۰.
- جادالمولی، محمد و ابوالفضل، ابراهیم و محمدالبجاوی، علی و شحاته، السید. ***قصه‌های قرآن***. ترجمه مصطفی زمانی. بی‌جا: انتشارات پژواک اندیشه، ۱۳۸۵.
- جزایری، سیدطیب. ***آخرین امید جهان وجود مقدس امام زمان***. بی‌جا: انتشارات مؤسسه مطبوعاتی دارالکتاب، ۱۳۸۳.
- جعفری، محمدصابر. اخبار مهدویت. ***مجله امان (۱۷)***، ۱۳۸۸.
- چامسکی، نوم. ***مثلث سرنوشت***. ترجمه عزت‌الله شهیدا. بی‌جا: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. ***اصول و مفاهیم ژئوپلتیک***. مشهد: انتشارات پاپلی، ۱۳۹۰.
- حسن‌زاده آملی. حسن. ***نهج الولایه***. بی‌جا: انتشارات الف. لام. میم، ۱۳۸۳.
- حکیمی، محمد. ***عصر زندگی***. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱.
- حلی، حسن بن یوسف. ***خلاصه الاقوال فی معرفه احوال الرجال***. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲.

- خاتون‌آبادی، محمدصادق. *کشف الحق*. قم: مؤسسه الامام المهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه، ۱۳۶۱.
- خادمی‌شیرازی، محمد. *نشانه‌های ظهور او*. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰.
- درایسدل، آلاسدیر و جرالد اچ بلیک. *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*. ترجمه: دره میرحیدر. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۹۶.
- دشتی، محمد. *آینده و آینده‌سازان*. انتشارات امیرالمؤمنین، ۱۳۸۱.
- ـــــــــــ . *فرهنگ سخنان حضرت مهدی*. انتشارات امیرالمؤمنین، ۱۳۸۴.
- الراوندی، قطب‌الدین، *الخرائج والجرائح*، تحقیق: سید محمدباقر الموحد الأبطحی، قم: مؤسسه الامام المهدی، اول، ۱۴۰۹ق.
- رحمانی، شمس‌الدین. *تصویر آینده*. انتشارات مؤسسه فرهنگی پژوهشی ضیاء اندیشه، ۱۳۷۸.
- رضوانی، علی‌اصغر. *علائم ظهور*. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶ (الف).
- ـــــــــــ. *قرآن و ظهور حضرت مهدی*. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶.
- ـــــــــــ. *منجی از دیدگاه ادیان*. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶.
- ـــــــــــ. *نظریه‌پردازی آینده جهان*. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶.
- ـــــــــــ. *هنگامه ظهور*. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶.
- الساده، مجتبی. *شش ماه پایانی (تقویم حوادث شش ماهه پیش از ظهور)*. ترجمه: محمود مطهری‌نیا. انتشارات موعود عصر، ۱۳۸۵.
- سلیمان، کامل. *روزگار رهایی*. ترجمه: علی‌اکبر مهدی‌پور. انتشارات آفاق، ۱۳۷۱.
- سماره، سلیم ابراهیم، الطویل، علی حسن، بقاعی، علی نایف، شلاق، عدنان علی و سمیر حسین الغاوی. *فهرس أحادیث وآثار المستدرک علی الصحیحین*. بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۶ق.
- سنایی کاشانی، علی. *تکامل بشر در پرتو انقلاب جهانی امام مهدی*. انتشارات سپهر آذین، ۱۳۸۴.
- سنیه، افرایم. *اسرائیل پس از ۲۰۰۰*. ترجمه: عبدالکریم جادری. انتشارات دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
- سیوطی، جلال‌الدین. *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- شاملویی، حبیب‌الله. *جغرافیای کامل جهان*. انتشارات بنیاد، ۱۳۷۳.
- شفیعی سروستانی، اسماعیل. *پیش‌گویی‌ها و آخرالزمان*. انتشارات موعود عصر، ۱۳۸۴.
- صدر، سیدمحمد. *تاریخ پس از ظهور*. ترجمه: حسن سجادی‌پور. انتشارات موعود عصر، ۱۳۸۴.

ـ صدوق، محمدبن علی بن بابویه، *معانی الأخبار*، تحقیق، تصحیح و تعلیق: علی‌اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۳۸ش.
ـ صفاخواه، محمدحسین. *بشارت نبوی به ظهور مهدوی*. انتشارات فیض کاشانی، ۱۳۷۶.
ـ طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن. *الفهرست*. انتشارات مؤسسه نشر الفقاهه، ۱۳۷۵.
ـ ــــــــــــــ. *الأمالی*، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامیة، قم: دارالثقافة للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
ـ عارف، علی‌اکبر. *نگرشی بر اخبار و علائم ظهور حضرت مهدی*. انتشارات شریعت، ۱۳۸۲.
ـ عزتی، عزت‌الله. *ژئوپلتیک*. انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها، ۱۳۷۲.
ـ ــــــــــ. *ژئوپلتیک در قرن بیست و یکم*. تهران: سمت، ۱۳۹۲.
ـ غفاریان، سیروس. *سرگذشت سرزمین فلسطین*. انتشارات مدرسه، ۱۳۸۷.
ـ قزوینی، سیدمحمدکاظم. *امام مهدی از ولادت تا ظهور*. ترجمه حسین فریدونی. انتشارات آفاق، ۱۳۷۶.
ـ قمی، عباس. *منتهی الآمال*. انتشارات چاووش، ۱۳۷۹.
ـ کشّی، محمدبن عمربن عبدالعزیز ابوعمر. *اختیار معرفه الرجال (رجال کشی)*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲.
ـ کلباسی اشتری، حسین. *مدخلی بر تبارشناسی کتاب مقدس*. انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴.
ـ کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق. *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
ـ کمپ، جفری وهارکاوی، رابرت. *جغرافیای استراتژیک خاورمیانه*. ترجمه: سیدمهدی حسینی متین، ۱۳۸۳.
ـ کورانی، علی. *عصر ظهور*. ترجمه: محمد حقی. انتشارات بین‌الملل، ۱۳۸۶.
ـ گلن، ویلیام و مارتین، هنری. *کتاب مقدس*. ترجمه: میرزا محمدجعفر شیرازی و سیدعلی خان شیرازی. انتشارات ایلام، ۱۳۸۰.
ـ لنچافسکی، ژرژ. *تاریخ خاورمیانه*. ترجمه: هادی جزایری. تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۳۷.
ـ مار، فب. *تاریخ نوین عراق*. ترجمه: محمد عباس‌پور. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰.
ـ مجلسی، محمدباقر. *مهدی موعود*. ترجمه: حسن بن محمد ولی ارومیه‌ای. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵.

ـ محمدی اشتهاردی، محمد. *نگرشی بر زندگی حضرت مهدی*. انتشارات مطهر، ۱۳۷۷.
ـ المروزی، ابی عبدالله نعیم بن حماد. *الفتن*. بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
ـ المروزی، نعیم بن حماد، *الفتن*، تحقیق: سهیل زکار، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
ـ المقدسی الشافعی السلمی، الیوسف بن یحیی بن علی بن عبدالعزیز. ***عقد الدرر فی أخبار المنتظر***. قاهره: مکتبة عالم الفکر، ۱۳۹۹ق.
ـ مقدسی حنبلی، مرعی بن یوسف، ***فرائد فوائد الفکر فی الامام المهدی المنتظر***، تحقیق: سامی الغریری، قم، دارالکتاب الاسلامی، سوم، ۱۴۲۷ق.
ـ مک ایودی، کالین. ***اطلس تاریخی جهان از آغاز تا امروز***. ترجمه: فریدون فاطمی. انتشارات مرکز، ۱۳۷۱.
ـ موسوی خویی، سیدابوالقاسم. ***معجم رجال الحدیث***. انتشارات مدینة العلم، ۱۳۶۸.
ـ مؤمنی، میرقاسم. ***کتاب خاورمیانه ۳: بررسی مسائل داخلی رژیم صهیونیستی***. انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر ایران، ۱۳۸۶.
ـ میرلوحی سبزواری، محمدبن محمد. ***کفایة المهتدی فی معرفة المهدی*** عجل الله تعالی فرجه. قم: دارالتفسیر، ۱۳۸۴.
ـ نجاشی، احمدبن علی بن احمد. ***فهرست اسماء مصنفی الشیعه***. نشر اسلامی، ۱۳۷۴.
ـ النجیری، محمود. *آرمگدون*. ترجمه: رضا عباس‌پور و قبس زعفرانی. انتشارات هلال، ۱۳۸۶.
ـ نشاشیبی، ناصرالدین. ***در خاورمیانه چه گذشت***. ترجمه محمدحسین روحانی. انتشارات توس، ۱۳۶۷.
ـ نصری، قدیر. ***مناطق حیاتی خاورمیانه***. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۳.
ـ نهاوندی، علی‌اکبر. ***برکات حضرت ولی‌عصر*** عجل الله تعالی فرجه. انتشارات تکسوار حجاز، ۱۳۸۲.
ـ النیشابوری، الحاکم، ***المستدرک***، تحقیق: یوسف عبدالرحمن المرعشلی، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
ـ واصف، محمدجعفر. ***پیش‌گویی‌های امیرالمؤمنین از فتنه‌ها و حوادث آینده***. انتشارات لوح زرین، ۱۳۸۷.
ـ هاشمی‌شهیدی، سیداسدالله. ***ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان***. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۱.
ـ هاکس، جیمز. ***قاموس کتاب مقدس***. ترجمه جیمزهاکس. تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷.
ـ هالسل، گریس. ***تدارک جنگ بزرگ براساس پیش‌گویی‌های انبیای بنی اسرائیل***. ترجمه: خسرو اسدی. انتشارات مؤسسه رسا، ۱۳۸۳.

ـ هلال، رضا. *مسیح یهودی و فرجام جهان*.ترجمه: قبس زعفرانی. انتشارات هلال، ۱۳۸۳.

- Cohen, Saul Bernard. 2015. Geopolitics: The geography of international relations. Newyork: Rowman & Littlefield.
- Dodds, Klaus. 2007. Geopolitics: A very short introduction. Newyork: Oxford university press.
- Fisher,W.B..1978.The middle east.Graat Britain: Cambridge university press.
- Hornby,A.S. 2005. Oxford advanced learner's dictionary of current language. Newyork: Oxford university press.
- Jeffery,Grant R.. 1991.Messiah: war in the middle east & the road to Armageddon.Toronto: Frontier research publications.
- Willis,Jim and Willis,Barbara.2006. Armageddon now: the end of the world A to Z.Detroit: Visible ink press.